



مقایسه روند تغییرات تورم
در دولت‌ها نشان می‌دهد

بحار قسب

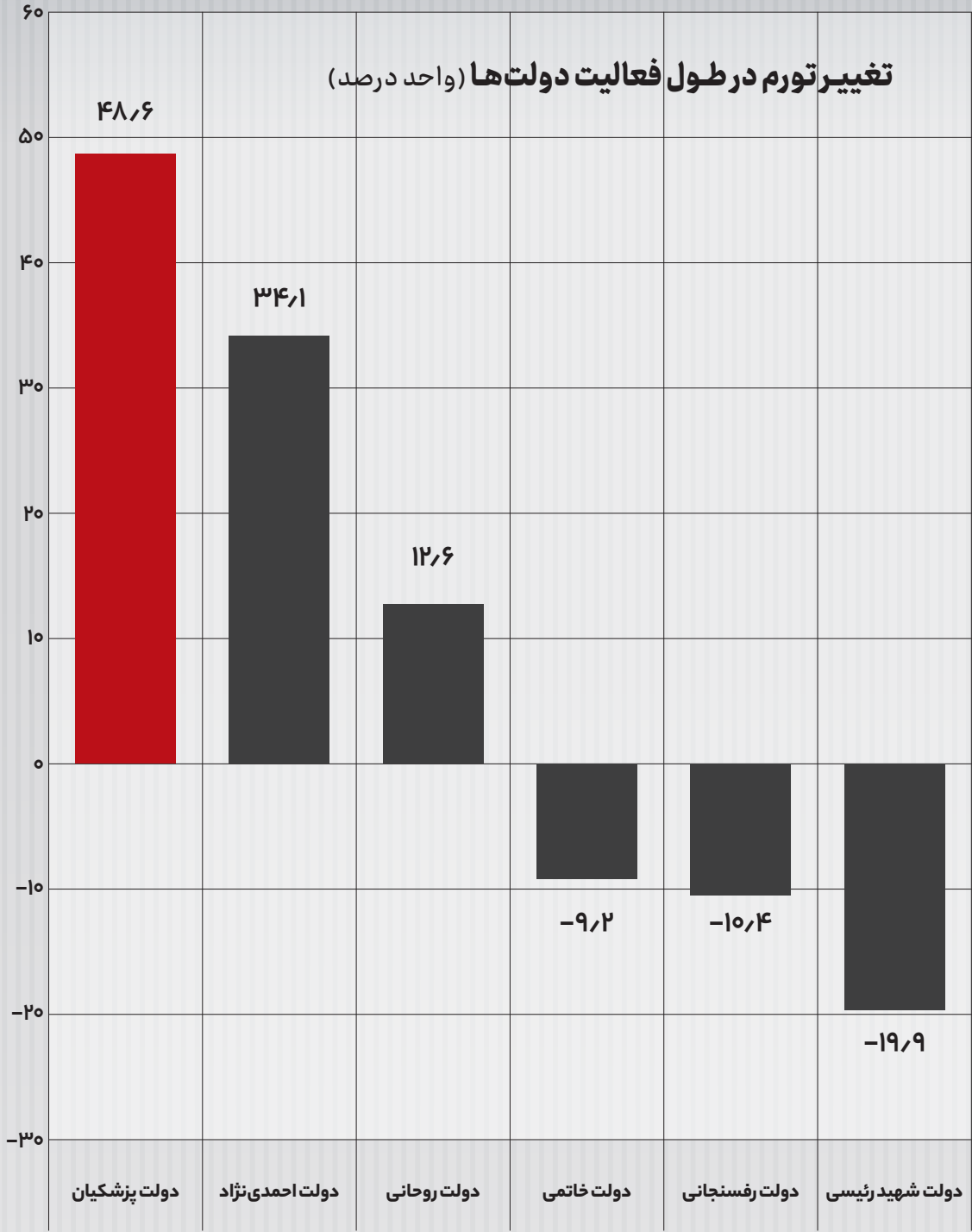
در صدر تورم

تبعات حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی، همچنان دامنگیر دولت چهاردهم است

جهشی تورم بودیم. مطابق این آمار تبه آخر تورم زاترین دولت نیز از آن شهیدرئبسی شده چراکه توانست تورم نقطه به نقطه ۵۵٫۷ درصدی در ابتدای دولتش را به ۳۵٫۸ درصد کاهش دهد که افت ۱۹٫۹ واحد درصدی تورم در ۳ سال دولت سیزدهم را نشان می‌دهد. از آنجا که آمار دقیق تورم در ماه شروع به کار دولت موسوی (آبان ۱۳۶۰) در دسترس نبود در این مقایسه لحاظ نشده است اما در پایان دولت موسوی تورم نقطه به نقطه ۲۸٫۶ درصد بود که برآوردها حاکی است از تورم ابتدای آن دولت کمتر بوده است.

واحد درصدی تورم نقطه به نقطه در طول فعالیت دولت چهاردهم هستیم و این دولت رتبه اول تورم زاترین دولت را پس از دفاع مقدس به خود اختصاص داده است که ناشی از آثار شدید تورمی حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی است. آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد تا قبل از حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی دردی ماه سال گذشته، با وجود افزایش تورم در دولت پزشکیان، اما تورم نقطه به نقطه همچنان کمتر از ۵ درصد بود اما از دی ماه به بعد با اقدام نادرست دولت در گران سازی ارز رسمی، شاهد رشد

۱۱ مقایسه آمار تورم نقطه به نقطه در شروع و پایان دولت‌های پس از دفاع مقدس نشان می‌دهد مسعود پزشکیان بدون رقیب و با فاصله رتبه اول تورم زایی را در اختیار دارد. بدین ترتیب حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی سبب شد تا دولت چهاردهم در صدر تورم در بین دولت‌ها بنشیند. بر اساس آمار بانک مرکزی، تورم نقطه به نقطه در ابتدای دولت پزشکیان ۳۵٫۸ درصد بود که پس از ۲ سال در مرداد امسال به ۴۸٫۶ درصد افزایش یافته است. بنابراین شاهد افزایش ۱۲٫۶



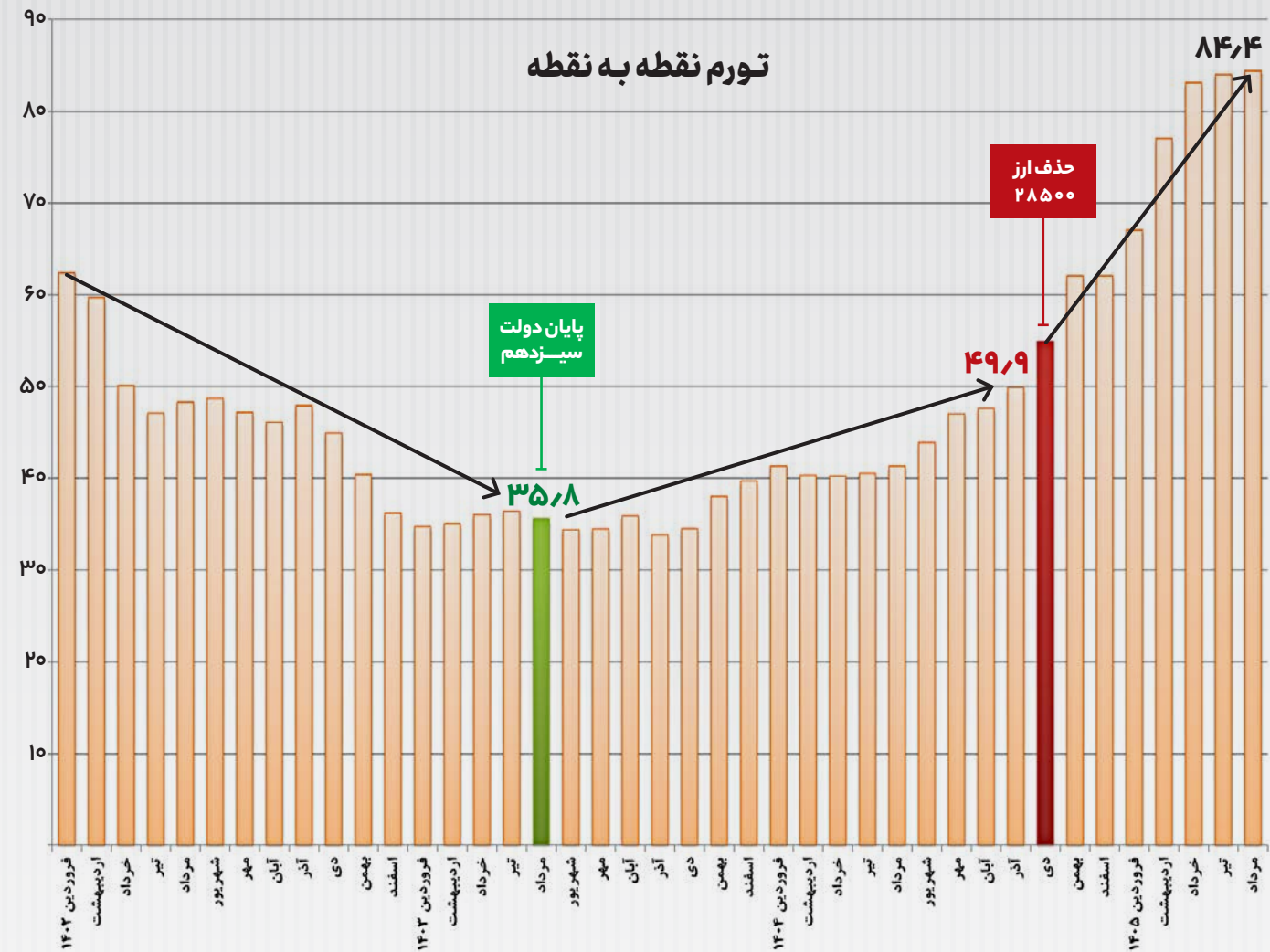
بانک مرکزی (سال پایه ۱۳۹۵)	تورم نقطه به نقطه اول دوره (درصد)	تورم نقطه به نقطه آخر دوره (درصد)	تغییر (واحد درصد)
دولت رفسنجانی	۲۸٫۶	۱۸٫۲	۱۰٫۴
دولت خاتمی	۱۸٫۲	۹	۹٫۲
دولت احمدی نژاد	۹	۴۳٫۱	۳۴٫۱
دولت روحانی	۴۳٫۱	۵۵٫۷	۱۲٫۶
دولت شهید رئیسی	۵۵٫۷	۳۵٫۸	۱۹٫۹
دولت پزشکیان	۳۵٫۸	۸۴٫۴	۴۸٫۶

رتبه دولت در تورم زایی	دولت	افزایش یا کاهش تورم در طول دوره
۱	دولت پزشکیان	۴۸٫۶
۲	دولت احمدی نژاد	۳۴٫۱
۳	دولت روحانی	۱۲٫۶
۴	دولت خاتمی	۹٫۲
۵	دولت رفسنجانی	۱۰٫۴
۶	دولت شهید رئیسی	۱۹٫۹

چرا دولت پزشکیان در تورم اول شد؟

۱۱ اتخاذ سیاست‌های آزادسازی اقتصادی از همان شروع به کار دولت چهاردهم دلیل اصلی افزایش شتابان تورم در ۲ سال اخیر بوده است. اوج این سیاست‌ها هم حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی از دی ماه ۱۴۰۴ با هدایت عبدالناصر همتی بود که تیر آخر سیاست‌های تورمی دولت پزشکیان بود. این در حالی است که دولت شهید رئیسی تقریباً در اواخر کار خود توانسته بود تورم را مهار و نزولی کند. آمارها نشان می‌دهد در ۱۶ ماه پایانی دولت شهید رئیسی همراه به طور میانگین ۱٫۷ واحد درصد از تورم نقطه به نقطه کاسته شد تا اینکه در مرداد ۱۴۰۳ به نیمه کانال ۳۰ درصد رسید. اما با شروع کابینه پزشکیان سیاست‌های مهار تورم کنار گذاشته شد و سیاست‌های آزادسازی اقتصادی با اصرار عبدالناصر همتی که آن زمان وزیر اقتصاد بود شروع شد و روز به روز نرخ ارز رسمی گران تر شد و آثار خود را بر جهش تورم گذاشت. به همین دلیل بود که از مهر ماه ۱۴۰۳ تا آذر ۱۴۰۴ به طور میانگین در هر ماه یک واحد درصد به تورم نقطه به نقطه اضافه شد و در آذر ماه آن سال به مرز ۵۰ درصد هم نزدیک شد. اما این سیاست حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی در دی ماه ۱۴۰۴ بود که موجب جهش شدیدتر تورم شد.

دولت پزشکیان با ادعای اینکه ارز ترجیحی به مصرف‌کنندگان نمی‌رسد و صرفاً به عده‌ای رانت‌خوار می‌رسد، ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی را حذف کرد اما برخلاف ادعاها، قیمت کالاهای اساسی از آن پس چند برابر شد که نشان می‌داد ارز ترجیحی، نصیب رانت‌خواران نمی‌شده بلکه سر سفره مردم می‌رفته است. از دی ماه به بعد تا مرداد ماه امسال جهش تورم چند برابر شد و به طور میانگین همراه ۴٫۳ واحد درصد بر تورم نقطه به نقطه افزوده شده است که به خوبی نشان می‌دهد حذف ارز ترجیحی ریشه‌صدرنشینی پزشکیان در تورم است.





وزیر نفت دروغ همتی را فاش کرد

وزیر نفت، تأکید کرد که فروش نفت متوقف نشده و با وجود کاهش، فرآیند تحویل نفت به مشتریان در آب‌های دور همچنان ادامه دارد. وزیر نفت در پاسخ به اظهارات عبدالناصر همتی رئیس بانک مرکزی پزشکیان مبنی بر اینکه «فروش نفت نداشتیم»، با اشاره به تداوم فرآیند فروش نفت گفت: وارد جزئیات نمی‌شوم، چون اگر اطلاعات مطرح شود، این اطلاعات مورد سوء استفاده دشمن قرار می‌گیرد.

وی افزود: در مقطعی این امکان فراهم شد که ما بتوانیم نفت را به نقطه تحویل به مشتری انتقال بدیم که بخش قابل ملاحظه‌ای بود. پاک‌نژاد در گفت‌وگویی تصویری ادامه داد: تا این لحظه فرآیند فروش نفت در خارج از آب‌های سرزمینی ما، در آب‌های دور و فروش به معنای تحویل به مشتری‌ها ادامه دارد. وزیر نفت همچنین اظهار کرد: در فاصله بین دو محاصره که ما نفت خام را رد کردیم، بعد از محاصره هم فروش نفت ادامه داشته، تقلیل یافته، اما ادامه داشته است. وی در پایان تأکید کرد: برای ادامه کار هم مجدانه پیگیری می‌کنیم تا تأدیر لازم را اتخاذ کنیم.



کمیسیون‌های مشترک اقتصادی؛ از تقسیم مسئولیت تا مدیریت یکپارچه منافع ملی

محمود بازاری

گراستاس رشد تجارت خارجی

در شرایطی که توسعه تجارت خارجی و تقویت دیپلماسی اقتصادی به یکی از الزامات رشد و توسعه کشور تبدیل شده است، کمیسیون‌های مشترک اقتصادی می‌توانند نقش مهمی در تبدیل روابط سیاسی میان کشورها به همکاری‌های واقعی اقتصادی ایفا کنند. با این حال، اثربخشی این کمیسیون‌ها بیش از آنکه به تعداد آنها یا دستگاه متولی وابسته باشد، به کیفیت حکمرانی، انسجام بین دستگاهی و میزان تحقق نتایج ملموس بستگی دارد. از این منظر، بازنگرى در نحوه تقسیم مسئولیت کمیسیون‌ها و فاصله گرفتن از رویکردهای دستگاه‌محور و سهم‌خواهانه، ضرورتی برای ارتقای کارآمدی دیپلماسی اقتصادی کشور است.

کمیسیون‌های مشترک اقتصادی و تجاری ایران با سایر کشورها باید «بازار سیاست خارجی اقتصادی و توسعه تجارت» باشند، نه عرصه‌ای برای تقسیم حوزۀ نفوذ میان دستگاه‌های دولتی. تجربه سال‌های گذشته نشان داده است که واگذاری کمیسیون‌های مشترک به وزارتخانه‌های مختلف، بدون یک منطق روشن مبتنی بر اولویت‌های تجاری، ظرفیت اقتصادی کشور و مزیت دستگاه متولی، گاه به نوعی سهم‌خواهی سازمانی تبدیل شده است؛ به گونه‌ای که اصل مأموریت کمیسیون، یعنی حل موانع، توسعه تجارت، جذب سرمایه‌گذاری و ایجاد پروژه‌های مشترک، در حاشیه قرار گرفته است.

مسئله اصلی، خود تقسیم مسئولیت نیست؛ بلکه نبود معیار واحد برای تعیین متولی و نظام پاسخگویی مبتنی بر نتیجه است. هر وزارتخانه‌ای که مسئولیت یک کمیسیون را بر عهده می‌گیرد، باید در قبال شاخص‌های مشخصی مانند رشد تجارت، دوچانه، افزایش صادرات، جذب سرمایه‌گذاری، فعال شدن پروژه‌های مشترک، رفع موانع تجاری و ایجاد ارتباط پایدار میان بخش‌های خصوصی و کشور پاسخگو باشد.

در غیر این صورت، مسئولیت کمیسیون از یک مأموریت اقتصادی به یک عنوان اداری و تشریفاتی تبدیل می‌شود.

نکته مهم‌تر آن است که وزارت امور خارجه، وزارت صمت، وزارت اقتصاد، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت نیرو، وزارت راه و سایر دستگاه‌های تخصصی، مکمل یکدیگرند، نه رقیب یکدیگر. وزارت امور خارجه باید نقش هماهنگ‌کننده و دیپلماسی اقتصادی را تقویت کند؛ دستگاه تخصصی باید دانش و ابزار اجرایی حوزه خود را وارد میدان کند و وزارت صمت و سازمان توسعه تجارت نیز باید در ایجاد انسجام تجاری، پایش عملکرد و اتصال کمیسیون‌ها به

راهبرد صاداتی کشور نقش محوری داشته باشند.

با این حال، نتیجه مورد انتظار از این ساختار تاکنون در بسیاری از موارد با عملکرد واقعی فاصله دارد. تعدد جلسات، امضای اسناد همکاری، بیانییه‌ها و توافقنامه‌ها، لزوماً به معنای موفقیت کمیسیون مشترک نیست. وقتی حجم تجارت، صادرات، سرمایه‌گذاری و پروژه‌های عملیاتی پس از بزرگاری چندین دوره کمیسیون تغییر معناداری نمی‌کند، باید در اصل مدل حکمرانی و تقسیم کار بازنگرى کرد، نه صرفاً تعداد جلسات را افزایش داد.

بنابراین پیشنهاد می‌شود مسئولیت کمیسیون‌های مشترک بر اساس «مزیت دستگاه + اهمیت کشور هدف + ظرفیت اقتصادی + هدف تجاری مشخص» تعیین شود و برای هر کمیسیون، یک «برنامه عملیاتی دوساله» با چند شاخص کمی و قابل سنجش تدوین گردد. در این صورت، رقابت دستگاه‌ها برای تصاحب کمیسیون جای خود را به رقابت برای خلق نتیجه خواهد داد.

در نهایت، کمیسیون مشترک اقتصادی زمانی موفق است که از یک ساختار تشریفاتی بین دولت‌ها به یک سکوی عملیاتی برای بخش خصوصی، تجارت و سرمایه‌گذاری تبدیل شود. اگر قرار باشد سهم‌خواهی دستگاهی بدون مسئولیت‌پذیری و سنجش نتیجه ادامه یابد، افزایش تعداد کمیسیون‌ها نه تنها مزیت نیست، بلکه می‌تواند موجب پراکندگی منابع، موازی‌کاری و کاهش اثربخشی دیپلماسی اقتصادی کشور شود.



هزینه عجیب ۲۱ همتی ۴۰ شرکت بورسی برای مسئولیت اجتماعی

هزینه کرد ۲۱ هزار میلیارد تومانی ۴۰ شرکت بورسی برای «مسئولیت اجتماعی» در سال ۱۴۰۵، در حالی بارشد ۱۲۵ درصدی نسبت به سال گذشته همراه شده که نحوه تعریف و محل مصرف این منابع همچنان محل ابهام است؛ به‌ویژه آنکه بخشی از این هزینه‌ها در برخی شرکت‌ها به ورزش حرفه‌ای و باشگاه‌داری اختصاص یافته و همین موضوع، مرز میان مسئولیت اجتماعی و هزینه‌های تبلیغاتی و تجاری را کمرنگ کرده است.

چند وقتی است که اعلام برخی اعداد و ارقام برای هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های بورسی حساسی سروصدا کرده است. این ارقام از یک تا دو میلیارد تومان شروع می‌شود و حتی به چندین همت نیز می‌رسد؛ اما سؤال این است مسئولیت اجتماعی چیست و اصلاً چرا باید بخشی از منافع و سودی که باید بین سهامداران تقسیم شود، باید در جای دیگری هزینه شود.

بررسی‌ها نشان می‌دهد موضوع هزینه‌کردهای مسئولیت اجتماعی در حالی تاریخچه کوتاهی در ایران دارد که در سطح جهان به موازات گسترش صنعت در نیمه دوم قرن بیستم و مخاطرات زیست‌محیطی و مشکلات کارگران، مفهوم مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها توسعه یافت و مخاطبان و طرفداران بیشتری پیدا کرده است.

مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به مجموعه تعهدات پنگاه‌ها در قبال جامعه، محیط زیست، کارکنان و سایر ذینفعان گفته می‌شود. در ادبیات اقتصادی، مسئولیت شرکت‌ها فقط به تولید، سودآوری و پرداخت مالیات محدود نیست و آثار اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیّت آنها را نیز در برمی‌گیرد. با این حال، مسئله فقط میزان هزینه‌کرد نیست، بلکه محل، هدف و نحوه مصرف منابع نیز اهمیت دارد. هزینه‌هایی که تحت عنوان مسئولیت اجتماعی انجام می‌شوند، باید با اهدافی مانند بهبود شرایط کارکنان، کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی، توسعه جوامع محلی، آموزش، سلامت و منافع عمومی ارتباط داشته باشند. در غیر این صورت، اگر این منابع صرف فعالیت‌های تبلیغاتی، سیاسی یا حتی فعالیت‌های تجاری و باشگاه‌داری حرفه‌ای شوند، نسبت آن‌ها با فلسفه اصلی مسئولیت اجتماعی محل سؤال جدی است.

در ایران، چارچوب مسئولیت اجتماعی طی سال‌های گذشته با مقررات مختلف شکل گرفته و ابهام‌هایی درباره حدود مسئولیت شرکت‌ها و نحوه نظارت بر هزینه‌کرد منابع ایجاد کرده است. هرچند اطلاعات مربوط به میزان هزینه‌کرد برخی شرکت‌ها شفاف‌تر شده، پرسش اصلی همچنان محل و ماهیت این هزینه‌ها است. در همین راستا، آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی مصوب ۴ تیر ۱۴۰۴ هیات وزیران، مسئولیت اجتماعی شرکتی را تعهد شرکت نسبت به ایجاد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و محیطی فعالیت‌های خود در قبال جامعه، محیط زیست و ذی‌نفعان تعریف کرده است.

بنابراین ارزیابی مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها نباید تنها بر رقم هزینه‌شده متمرکز باشد؛ بلکه باید مشخص شود این منابع کجا، با چه هدفی و برای چه گروهی هزینه شده‌اند و تا چه اندازه با منافع عمومی و اهداف واقعی مسئولیت اجتماعی انطباق دارند.

در گزارش حاضر ارقام هزینه‌کرد ۴۰ شرکت بورسی از اطلاعات‌های مجمع عمومی این شرکت‌ها استخراج شده است. طبق داده‌های مذکور، رقم مصوب هزینه‌کرد این ۴۰ شرکت برای سال جاری به بیش از ۲۱ همت می‌رسد؛ عددی که رشد ۲۰۲ برابری نسبت به

رقم ۹۴۱۹ میلیارد تومانی مصوب سال قبل داشته است. رقم ۲۱ همت از این منظر حائز اهمیت بوده که مقایسه آن با برخی اعداد و ارقام بودجه سال ۱۴۰۵ نشان می‌دهد این عدد در حالی است که کل بودجه وزارت خارجه برای سال جاری ۷۰۷ همت و این عدد برای وزارت گردشگری ۸۰۶ همت است.

۲۱ همت از جیب سهامداران

بررسی ارقام اعلام‌شده برای هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی شرکت‌های مختلف در مجمع عمومی سالانه ۴۰ شرکت مورد بررسی در گزارش حاضر نشان می‌دهد مجموع هزینه‌های ثبت‌شده در این فهرست به ۲۱ هزار و ۱۵۱ میلیارد تومان می‌رسد. این ارقام مربوط به شرکت‌هایی از صنایع مختلف از جمله معدن و فلزات، فولاد، پالایش نفت، پتروشیمی و نظام بانکی است.

در میان شرکت‌های بررسی‌شده، شرکت ملی صنایع مس ایران (فملی) با هزینه‌کرد ۱۰ هزار میلیارد تومان در رتبه نخست قرار دارد. پس از آن فولاد مبارکه اصفهان با ۲۰۰۰ میلیارد تومان و پالایش نفت بندرعباس با ۱۰۰۰ میلیارد تومان در رتبه‌های دوم و سوم قرار گرفته‌اند.

در رتبه‌های بعدی نیز بانک ملت با ۸۰۰ میلیارد تومان، بانک شهر با ۵۰۰ میلیارد تومان، پالایش نفت اصفهان و بانک تجارت هر کدام با ۴۰۰ میلیارد تومان، معدنی و صنعتی چادرملوی با ۳۶۰ میلیارد تومان و بانک صادرات ایران با ۳۵۰ میلیارد تومان قرار دارند. پالایش نفت تهران نیز با ۲۵۰ میلیارد تومان در رتبه دهم این فهرست قرار گرفته است.

در ادامه فهرست، پتروشیمی نوری و معدنی گل گهر هر کدام ۲۵۰ میلیارد تومان، پتروشیمی امیرکبیر و پتروشیمی اروند هر کدام ۲۰۰ میلیارد تومان و معدنی و صنعتی گهرزمین ۱۸۰ میلیارد تومان هزینه‌کرد ثبت کرده‌اند. همچنین رقم هزینه‌کرد ذوب‌آهن اصفهان، پتروشیمی پارس، فولاد خوزستان و پتروشیمی بوعلی سینا هر کدام ۱۵۰ میلیارد تومان اعلام‌شده است. در بخش بانکی نیز بانک سامان ۱۰۰ میلیارد تومان، بانک اقتصاد نوین ۶۵ میلیارد تومان، بانک پارسیان ۵۰ میلیارد تومان، بانک کارآفرین ۳۵ میلیارد تومان و بانک خاورمیانه ۲۵ میلیارد تومان هزینه‌کرد داشته‌اند. در بخش پایین‌تر فهرست نیز ارقامی از ۱۵ تا ۸۵ میلیارد تومان برای شرکت‌هایی همچون پتروشیمی جیم، صابون، آلومینیوم ایران، پتروشیمی شازند، پتروشیمی تندگوین، نفت ایرانول، پتروشیمی زاگرس، بهمن موتور، بیمه پاساگاد، سرمایه‌گذاری غدیر، صنایع الکترونیک مادران، آهن و فولاد غدیر ایرانیان، گروه صنعتی بارز، سیمان تهران و صنعت غذایی کورش ثبت شده است. درمجموع، این فهرست تصویری از میزان هزینه‌کرد اعلام‌شده شرکت‌ها در حوزه مسئولیت اجتماعی ارائه می‌کند؛ از هزینه‌های ۱۰ هزار میلیارد تومانی در صدر فهرست تا ارقام چند ده میلیارد تومانی در بخش پایانی.

رشد ۱۲۵ درصدی هزینه‌کردهای مسئولیت اجتماعی

بررسی ارقام هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی ۴۰ شرکت مورد بررسی در گزارش حاضر نشان می‌دهد مجموع این هزینه‌ها در مقایسه با ارقام مصوب سال گذشته ۱۲۵ درصد افزایش یافته و به ۲۱ هزار و ۱۵۱ میلیارد تومان رسیده است. این رشد نشان می‌دهد حجم منابع اختصاص یافته به مسئولیت اجتماعی در این شرکت‌ها بیش از دو برابر سال گذشته شده است.

در میان شرکت‌های بررسی‌شده، رقم هزینه‌کرد فولاد مبارکه اصفهان بارشد ۳۰۹ درصدی بیشترین افزایش را داشته است. پس از آن ذوب‌آهن اصفهان، نفت ایرانول و آهن و فولاد غدیر ایرانیان هر کدام بارشد ۲۰۰ درصدی قرار دارند. صابون نیز با افزایش ۱۸۰ درصدی و بانک پارسیان بارشد ۱۷۸ درصدی در رتبه‌های بعدی هستند. در بخش دیگری از فهرست، هزینه‌کرد بانک شهر ۱۵۰ درصد، آلومینیوم ایران ۱۳۳ درصد و پالایش نفت تهران ۱۳۱ درصد افزایش یافته است. همچنین هزینه مسئولیت اجتماعی ملی صنایع مس ایران و پالایش نفت بندرعباس هر کدام ۱۲۲ درصد رشد کرده است.

در مقابل، سه شرکت پتروشیمی شازند، پتروشیمی تندگوین و پتروشیمی زاگرس تغییری نسبت به سال ۱۴۰۳ نداشته‌اند. بیشترین نرخ‌های رشد مثبت نیز مربوط به گروه صنعتی بارز با ۱۳ درصد، پتروشیمی پارس با ۱۵ درصد و پتروشیمی بوعلی سینا گل گهر با ۲۵ درصد است.

تناقض عجیبی که گزارش فولاد مبارکه آشکار کرد

یکی از موارد قابل تأمل که اخیراً در گزارش گروه فولاد مبارکه تناقض آن آشکار شد، تفکیک هزینه‌های ورزشی از هزینه‌های مسئولیت اجتماعی است. گروه فولاد مبارکه در گزارشی که به تاریخ ۱۲ مرداد ۱۴۰۵ در سامانه کدال منتشر کرده، رقم هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی خود شامل کمک‌های بلاعوض و هزینه‌های زیست محیطی و کمک‌های خود به باشگاه فرهنگی-ورزشی سپاهان اصفهان را مجموعاً ۴۰۵ همت اعلام کرده است؛ اما در تاریخ ۲۵ مردادماه، این گروه یک اصلاحیه در کدال منتشر کرده و هزینه‌های مسئولیت اجتماعی خود را ۱۰۱ همت اعلام کرده و سایر هزینه‌ها همچون ۲۰۵ همت کمک هزینه تبلیغاتی به باشگاه سپاهان، ۹۰۰ میلیارد تومان برای بازسازی خسارت ناشی از جنگ تحمیلی و ۳۵۰ میلیارد تومان کمک به صندوق بازنشستگان را تفکیک کرده است. اگر همه این ارقام را جمع کنیم به عدد ۴ هزار و ۸۵۰ میلیارد تومان می‌رسیم و اگر هزینه کمک به صندوق بازنشستگان را کنار بگذاریم، به عدد ۴۰۵ همت می‌رسیم

که در گزارش اول فولاد مبارکه این رقم به عنوان هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی اعلام‌شده بود. برخلاف فولاد مبارکه که متن اولیه تصمیمات مجمع را بدون توضیحات کافی تغییر داده و هزینه‌های ورزشی را از هزینه‌های مسئولیت اجتماعی تفکیک کرده، گروه ملی صنایع مس ایران (فملی) در گزارش مجمع عمومی خود همه این هزینه‌ها در قالب هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی طبقه‌بندی کرده است.

در گزارش مجمع فعلی آمده است: «جمع پس از استماع گزارش مدیریت شرکت، هزینه مسئولیت‌های اجتماعی شامل کمک‌های بلاعوض، ورزشی و همچنین اقدامات انجام‌شده در

راستای کمک به توسعه مناطق، شامل احداث، تکمیل و اصلاح جاده‌ها، آب و فاضلاب، بهداشتی، درمانی و آموزش در سال ۱۴۰۴ را تنفیذ و تصویب نمود و به هیات مدیره اختیار داد تا با رعایت صرفه و صلاح شرکت جهت کمک‌های بلاعوض، هزینه‌های ورزشی واحداث، راهدانازی و تکمیل و اتمام موارد مرتبط با موضوعات فوق‌الذکر، از محل منابع مالی شرکت و شرکت‌های تابعه تصمیم لازم را اتخاذ نماید. همچنین مقرر گردید با تکمیل پروژه‌های جاری، هر سه ماه یک‌بار گزارش به سهامداران عمده ارائه شود.»

اما قانون چه می‌گوید؟

بر اساس ماده ۲ «آیین‌نامه مسئولیت اجتماعی شرکت‌های تحت مدیریت دولت» مصوب ۱۱ تیرماه ۱۴۰۴ هیات وزیران، زمینه‌های عمل به مسئولیت اجتماعی شرکتی و مصادیق آن به شرح زیر است:

۱. مسئولیت‌پذیری شرکت در جوامع محلی؛ پذیرش مسئولیت و پاسخگویی شرکت در برابر آثار و پیامدهای منفی ناشی از فعالیت‌ها و تصمیم‌ها، جبران خسارات، اصلاح رویه‌ها و جلوگیری از تکرار آسیب‌های وارده (با اولویت نسبت به موارد بعدی).

۲. مشارکت در توسعه جوامع محلی شامل:

الف- پیشگیری یا جبران خسارت‌های ناشی از حوادث و بلایای طبیعی و غیرمترقبه.

ب- توسعه آموزش مهارت‌های مورد نیاز بازار کار به منظور توانمندسازی نیروی انسانی با هدف شکوفایی ظرفیت‌های توسعه محلی، کمک به توسعه کسب‌وکارهای خرد و متوسط و خوداشتغالی و حمایت از توسعه و تجهیز هنرستان‌ها و مراکز آموزش فنی و حرفه‌ای و مهارتی.

پ- حمایت از افشار کمتر برخوردار یا نیازمند حمایت بر اساس آزمون وسیع مبتنی بر ثبت شناسه ملی و شناسه پستی یا رویکرد عدالت‌محوری و حفظ کرامت انسانی به‌ویژه در جهت رفع تبعیض آموزشی، محرومیت‌زدایی و کمک به کاهش فقر و بیکاری.

ت- پیشبرد برنامه نهضت مدرسه‌سازی و تجهیز مدارس با اولویت آموزش همگانی با کیفیتی.

ث- تأمین بهداشت عمومی و کمک به اجرای برنامه‌های پیشگیری از بیماری‌ها در زمینه‌های ارتقای وضعیت بهداشت محیط، بهداشت کار و شغلان، بهداشت مدارس و تغذیه دانش آموزان، بهداشت خانواده، آموزش بهداشت و ارتقای دسترسی به خدمات و امکانات سلامت.

ج- پیشگیری یا جبران آسیب‌های اجتماعی با اولویت زنان، کودکان، نوجوانان، سالمندان و افراد دارای معلولیت.

چ- حفظ و احیای منابع آب و خاک (با اولویت اجرای طرح‌های آبخیزداری، آبرویی، حرمت و احیای قنوات)، ارتقای تاب‌آوری محیط زیستی، توسعه انرژی‌های تجدیدپذیر و آموزش همگانی محیط زیست.

ح- حفظ و احیای میراث فرهنگی ملموس و ناملموس، ایجاد و تقویت زیرساخت‌های گردشگری عمومی و حمایت از هنرمندان. خ- مشارکت در طرح‌های عمرانی و توسعه‌ای مورد نیاز با رویکرد عدالت‌محوری و محرومیت‌زدایی.

د- کمک به توسعه ورزش همگانی و مناسب‌سازی اماکن و فضاهای ورزشی عمومی.

ذ- حمایت از فعالیت‌ها و رویدادهای فرهنگی، هنری و رسانه‌ای به منظور تقویت هویت ملی و افزایش نشاط اجتماعی.

ر- کمک به ساخت، تجهیز و تعمیر فضاهای ورزشی و خوابگاه‌های دانشگاه‌ها و محل اقامت پزشکان در مناطق محروم و کم‌برخوردار. ز- کمک به تولید محتوای رسانه‌ای به منظور ترویج و معرفی افتخارات منطقه‌ای و محلی.

ژ- استفاده از انرژی‌های تجدیدپذیر و اقتصاد رقومی (دیجیتال) پایدار یا فناوری‌های سبز داده‌پایه.

س- ترویج فرهنگ بهینه‌سازی مصرف انرژی.

کرچه در این آیین‌نامه اشاره نشده که هزینه‌کرد شرکت‌ها برای تیم‌های ورزشی خود در این دسته قرار نمی‌گیرد اما آنچه از متن برداشت می‌شود این است که در این آیین‌نامه صرفاً آن دسته از هزینه‌های ورزشی جزو هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی است که مربوط به ورزش همگانی باشد.

در این صورت، سؤال این است که هزینه‌کرد گروه فولاد مبارکه

برای باشگاه ورزشی زیرمجموعه خودش اگر جزو هزینه‌های مسئولیت اجتماعی نیست، آیا سهامداران این شرکت راضی به هزینه تبلیغاتی ۲۰۵ همتی آن یا خیر؟ همچنین اگر این هزینه جزو هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی نباشد، برای شرکتی که اغلب محصولات آن در داخل بازار

تقریباً انحصاری و خاص است، نیاز به این همه هزینه تبلیغاتی دارد یا خیر؟ در نهایت با توجه به اینکه گروه فعلی هزینه‌های ورزشی را جزو هزینه‌کرد مسئولیت اجتماعی ذکر کرده‌ودر گزارش اول فولاد مبارکه نیز این ارقام جزو مسئولیت اجتماعی بود، ضرورتی است سازمان بورس در این خصوص شفاف‌سازی و تعیین تکلیف کند، چراکه این هزینه‌ها جزوی از حقوق سهامداران است.

از محاربین و اغتشاشگران دی‌ماه ۱۴۰۴ حمایت کرده است. وی اخیراً از سوی معاون رئیس‌جمهور به‌عنوان «مشاور مسئولیت اجتماعی معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم ریاست جمهوری» منصوب شده است.

سوالی که معاون رئیس‌جمهور باید به‌طور واضح و شفاف به آن پاسخ دهد، این است که فردی با چنین پیشینه و سوابقی، چه نسبتی با پیشرفت روستایی دارد و چه دردی از روستاها و مناطق محروم درمان خواهد کرد؟

زمانی که با تشکیل چنین معاونتی مخالفت می‌کردیم، یکی از دلایل ما این بود که این معاونت بی‌سرو صدا به حیات خلوت افرادی با چنین ویژگی‌هایی تبدیل خواهد شد.

از این رو، همچنان بر موضع خود اصرار داریم که این معاونت مشکلی از مشکلات روستاها و مناطق محروم را مرتفع نخواهد کرد و بهتر است این مسئولیت و جایگاه به محل اصلی خود، یعنی وزارت جهاد کشاورزی، بازگردد؛ موضوعی که به‌صورت قانونی آن را دنبال کرده و همچنان پیگیری آن هستیم.



مشاهده می‌شود.

کاندیدای ر دصلا حلیت‌شده در انتخابات شورای شهر تهران بوده است.



آمریکا گاز ترکیه را هم نشانه گرفت

بلومبرگ هشدار داد فشار آمریکا بر ایران می تواند تأمین ۱۳ درصد گاز ترکیه را مختل کند.
بلومبرگ در گزارشی به پیامدهای احتمالی سیاست جدید دولت آمریکا برای تشدید فشار اقتصادی علیه ایران و تأثیر آن بر تأمین انرژی ترکیه پرداخت و نوشت: ترکیه که از متحدان مهم آمریکا و سومین شریک تجاری ایران محسوب می‌شود، در صورت اجرای تهدیدهای واشنگتن علیه کشورهایی که با تهران تجارت می کنند، ممکن است با خطر از دست دادن یکی از منابع مهم تأمین گاز خود مواجه شود.

براساس داده‌های نهاد تنظیم‌گر انرژی ترکیه، ایران در سال گذشته حدود ۱۳ درصد از واردات گاز طبیعی این کشور، معادل ۷٫۷ میلیارد مترمکعب را تأمین کرده است. به این ترتیب، ایران پس از روسیه، جمهوری آذربایجان و آمریکا، چهارمین تأمین‌کننده بزرگ گاز ترکیه بوده است.

بلومبرگ گزارش داده است که جریان گاز ایران به ترکیه پس از آغاز حملات آمریکا و رژیم صهیونیستی به ایران در اواخر فوریه نیز ادامه پیدا کرد و تنها برای مدت کوتاهی پس از حمله به میدان گازی پارس جنوبی دچار وقفه شد.

فشار واشنگتن، آنکارا بر سردرهای قزاق می دهد

این گزارش در ادامه به هشدار اسکات بسنت، وزیر خزانه‌داری آمریکا، اشاره کرده است که کشورهایی که پس از یک مهلت زمانی نامشخص به تجارت با ایران ادامه دهند، ممکن است با مجازات‌های اقتصادی واشنگتن مواجه شوند. بسنت اعلام کرده است که دولت آمریکا در چارچوب کارزار جدید خود برای تشدید فشار اقتصادی بر ایران، قصد دارد منابع درآمدی این کشور را هدف قرار دهد. وی همچنین گفته است دونالد ترامپ با رهبران کشورهای مختلف در تماس است و درخواست‌های مشخصی از آنها مطرح می‌کند.
بلومبرگ بر همین اساس، وضعیت ترکیه را حساس توصیف کرده است: «چراکه آنکارا از یک سو روابط راهبردی نزدیکی با واشنگتن دارد و از سوی دیگر، برای تأمین بخشی از نیاز انرژی خود به ایران وابسته است. ترکیه حتی پس از پایان قرارداد ۲۵ ساله خرید گاز ایران در پایان ژوئیه ۲۰۲۶ نیز به واردات گاز از ایران ادامه داده است. براساس اطلاعات منتشرشده در این گزارش، بخشی از گاز دریافتی پس از پایان قرارداد مربوط به گاز موسوم به «جبرانی» است؛ گازی که بابت آن در دوره قرارداد پرداخت شده اما در زمان مقرر تحویل نشده بود. قرارداد پیشین ایران و ترکیه ظرفیت انتقال حدود ۹٫۵ میلیارد مترمکعب گاز در سال را داشت. مذاکرات برای توافق جدید نیز پیش‌تر مطرح شده بود، اما با آغاز جنگ، روند مذاکرات متوقف شد. وزیران انرژی ترکیه در ماه آوریل نیز اعلام کرده بود که آنکارا ممکن است برای حفظ امنیت عرضه انرژی به خط لوله و جریان گاز ایران نیز داشته باشد.

تجارت ایران و ترکیه همچنان ادامه دارد

بلومبرگ همچنین به روابط تجاری دو کشور اشاره کرده و نوشته است ارزش تجارت دوچانه‌ی ایران و ترکیه در نیمه نخست سال ۲۰۲۴ حدود ۲٫۸ میلیارد دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال قبل حدود ۳ درصد کاهش داشته است. این موضوع نشان می دهد فشار آمریکا علیه تجارت ایران تنها یک مسئله مربوط به صادرات انرژی نیست و در صورت اجرای تحریم‌های ثانویه، می تواند سایر مبادلات اقتصادی میان تهران و آنکارا را نیز تحت تأثیر قرار دهد. ترکیه در سال‌های گذشته تلاش کرده است ضمن حفظ روابط خود با آمریکا و اعضای ناتو، مناسبات اقتصادی و انرژی خود با ایران و روسیه را نیز حفظ کند. در نتیجه، تشدید فشارهای واشنگتن می تواند آنکارا را با یک انتخاب دشوار میان حفظ روابط انرژی با ایران و کاهش ریسک تحریم‌های آمریکا مواجه کند.

ترکیه چگونه کمبود گاز ایران را جبران می کند؟

بلومبرگ در ادامه به گزینه‌های احتمالی ترکیه برای جبران کاهش یا قطع جریان گاز ایران پرداخته است. یکی از مهم‌ترین گزینه‌ها، افزایش واردات گاز طبیعی مایع‌شده (LNG) است. ترکیه در سال‌های اخیر ظرفیت واردات LNG خود را افزایش داده و در صورت کاهش عرضه گاز خط لوله ایران، می‌تواند بخشی از کسری را از طریق بازار جهانی LNG جبران کند. در این میان، آمریکا نیز می‌تواند یکی از تأمین‌کنندگان LNG مورد نیاز ترکیه باشد. با این حال، واردات LNG معمولاً هزینه بیشتری نسبت به گاز خط لوله دارد و افزایش وابستگی به بازار اخله‌ای LNG می‌تواند هزینه تأمین انرژی ترکیه را افزایش دهد.
گزینه دیگر، افزایش تولید میدان گازی ساگاریا در دریای سیاه است. ترکیه طی سال‌های اخیر توسعه این میدان را در دستور کار قرار داده و افزایش تولید داخلی می‌تواند بخشی از وابستگی این کشور به واردات گاز را کاهش دهد. همچنین ترکیه می‌تواند در سال‌های آینده از منابع جدید گاز جمهوری آذربایجان استفاده کند. با این حال، بخشی از این ظرفیت جدید از سال ۲۰۲۹ در دسترس قرار خواهد گرفت و بنابراین نمی‌تواند در کوتاه‌مدت جایگزین کامل گاز ایران شود.

خازن گاز ترکیه یک حاشیه امنیان ایجاد کرده است

یکی از عواملی که می‌تواند فشار ناشی از کاهش احتمالی واردات گاز ایران را در کوتاه‌مدت کاهش دهد، وضعیت ذخایر گاز ترکیه است. مقام‌های انرژی این کشور اعلام کرده‌اند مخازن ذخیره‌سازی گاز ترکیه در سطح بالایی قرار دارد و این موضوع می‌تواند در صورت بروز اختلال کوتاه‌مدت در عرضه، بخشی از نیاز مصرف‌کنندگان را پوشش دهد. با این حال، ذخایر گاز نمی‌تواند جایگزین دائمی یک منبع وارداتی باشد و در صورت ادامه‌دار شدن محدودیت عرضه ایران، آنکارا ناچار خواهد بود ترکیبی از افزایش واردات LNG، رشد تولید داخلی و استفاده از منابع جایگزین منطقه‌ای را دنبال کند.

ایران: چهارمین تأمین‌کننده گاز ترکیه

وابستگی ترکیه به گاز ایران در شرایطی اهمیت بیشتری پیدا می‌کند که این کشور طی سال‌های اخیر تلاش کرده سبد تأمین انرژی خود را متنوع کند. با وجود این تلاش‌ها، سهم حدود ۱۳ درصدی ایران از واردات گاز ترکیه نشان می‌دهد قطع کامل این جریان نمی‌تواند بدون هزینه برای اقتصاد ترکیه باشد. از سوی دیگر، ایران نیز یکی از بازارهای مهم صادرات گاز خود را در ترکیه دارد و تداوم این صادرات برای درآمدهای ارزی و جایگاه ایران در بازار انرژی منطقه اهمیت دارد. به این ترتیب، تهدیدهای آمریکا برای اعمال فشار بر کشورهایی که با ایران تجارت می‌کنند، تنها بر تهران اثر نمی‌گذارد و می‌تواند شرکای اقتصادی ایران، به‌ویژه کشورهایی که به انرژی ایران وابسته هستند را نیز با چالش مواجه کند.
بلومبرگ در نهایت تأکید دارد که ترکیه در برابر فشارهای جدید واشنگتن باید میان حفظ جریان گاز ایران و کاهش ریسک مواجهه با مجازات‌های اقتصادی آمریکا تعادل برقرار کند: انتخابی که با توجه به سهم ایران در سبد انرژی ترکیه، می‌تواند برای آنکارا هزینه‌بر باشد.

حسابرس کل بانک مرکزی با بیان اینکه ۴۵۱ هزار نفر در صف وام ازدواج و ۴۵۷ هزار نفر در صف وام فرزندآوری هستند، گفت: این در حالی است که برای اسامال ۳۵۰ همت تسهیلات ازدواج ۸۵ همت تسهیلات فرزندآوری به شبکه بانکی ابلاغ شده است.

علیرضا عابدینی درباره عملکرد شبکه بانکی در حوزه تسهیلات ازدواج و فرزندآوری نیز گفت: در حال حاضر ۴۵۱ هزار و ۲۳۸ نفر در صف دریافت تسهیلات ازدواج و حدود ۴۵۷ هزار نفر در صف دریافت تسهیلات فرزندآوری قرار دارند و تعداد افراد در صف طی سال‌های ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ افزایش یافته است. عابدینی ادامه داد: در سال ۱۴۰۲ سقف جمعی تسهیلات تکلیفی ازدواج و فرزندآوری ۲۰۰ همت بود و در سال ۱۴۰۳ نیز این رقم در مجموع ۲۰۰ همت تعیین شد، هرچند سقف فردی تسهیلات افزایش یافت. این رقم در سال ۱۴۰۴ به ۲۷۵ همت افزایش پیدا کرد و در سال ۱۴۰۵ نیز در قانون، سقف ۴۷۵ همت برای این تسهیلات پیش بینی شد. وی با بیان اینکه سهمیه‌ای که بانک مرکزی برای تسهیلات ازدواج به شبکه بانکی ابلاغ کرده، ۳۵۰ همت و برای تسهیلات فرزندآوری ۸۵ همت است، افزود: بر اساس بودجه پنج‌ماهه، بانک‌ها باید ۱۴۶ همت تسهیلات پرداخت می‌کردند که در بخش ازدواج ۱۱۰ همت پرداخت شده و حدود ۲۵ درصد انحراف از برنامه وجود دارد؛ در بخش فرزندآوری نیز از سهمیه ۸۵ همتی، باید طی پنج ماه ۳۵ همت پرداخت می‌شد، اما عملکرد شبکه بانکی ۲۰۰ همت بوده که معادل ۴۳ درصد انحراف از برنامه است.

بازار بین بانکی جای اضافه برداشت از بانک مرکزی را گرفت

وی درباره آخرین وضعیت اضافه برداشت بانک‌ها از منابع بانک مرکزی اظهار داشت: اضافه برداشت شبکه بانکی در پایان سال ۱۴۰۳ معادل ۵۰۶ همت بود که در پایان سال ۱۴۰۴ به ۴۵۷ همت رسید و در پایان مرداد اسامال به ۵۱۶ همت افزایش یافته است.

وی با یادآوری اینکه بانک مرکزی، اضافه برداشت را خط قرمز خود می‌داند، از رشد قابل توجه بازار بین بانکی در سال جاری هم‌زمان با سیاست‌های بانک مرکزی در جلوگیری از اضافه برداشت بانک‌ها اشاره کرد و گفت: این آمار نشان می‌دهد که بانک‌ها در حال تأمین بخشی از نیاز خود به نقدینگی از طریق بازار بین بانکی هستند و خودرویی که از خط تولید خارج می‌شود، فقط یک وسیله برای جابجایی نیست؛ محصولی است که می‌تواند برای سال‌ها بر میزان مصرف انرژی کشور اثر بگذارد. کیفیت ساخت، فناوری موتور، وزن خودرو، طراحی قوای محرکه و میزان مصرف سوخت، ویژگی‌هایی نیستند که تنها به رضایت خریدار یا کیفیت یک محصول صنعتی مربوط باشند؛ هر کدام از این مؤلفه‌ها در مقیاس میلیون‌ها دستگاه خودرو، به یک مسئله اقتصادی و حتی انرژی تبدیل می‌شوند. به همین دلیل، وقتی از خودروی باکیفیت صحبت می‌شود، نباید کیفیت اصراف را در دام قطعات، ایمنی، طراحی یا امکانات خودرو خلاصه کرد. خودروی باکیفیت در جهان امروز، خودرویی است که برای پیچودن یک مسافت مشخص، انرژی کمتری مصرف کند و آلایندهی کمتری به جا بگذارد. از این منظر، مصرف سوخت یکی از مهم‌ترین شاخص‌های کیفیت یک خودرو است.

این موضوع در کشور ما اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ کشوری که بخش قابل توجهی از حمل و نقل آن همچنان به خودروهای بنزینی متکی است و هر دستگاه خودروی جدید، برای سال‌های طولانی بخشی از تقاضای بنزین را به خود اختصاص می‌دهد؛ بنابراین تصمیمی که در کارخانه و هنگام طراحی و تولید خودرو گرفته می‌شود، می‌تواند سال‌ها بعد خود را در جایگاه سوخت و در آمار مصرف بنزین نشان دهد. اینجاست که موضوع صنعت خودرو به مسئله سوخت پیوند می‌خورد. اگر خودروهای جدید با فناوری‌های کم‌مصرف تولید شوند، بخشی از کاهش مصرف سوخت بدون آنکه حتی یک سفر از سبد خانوار حذف شود، اتفاق می‌افتد؛ اما اگر خودروهای پر مصرف همچنان به تولید انبوه برسند، حتی سخت‌گیرانه‌ترین توصیه‌ها درباره نحوه رانندگی و کاهش سفر و اصلاح الگودر مصرف سوخت نیز نمی‌تواند تمام ظرفیت صرفه جویی را فعال کنند. درواقع، اصلاح الگوی مصرف سوخت فقط به رفتار مصرف‌کننده مربوط نیست؛ بخشی از آن پیش از رسیدن خودرو به خیابان، در خط تولید تعیین شده است.

خودروی پرمصرف: مصرف‌کننده‌ای که سال‌ها در ناوگان

می‌داند

یک تفاوت اساسی میان اصلاح رفتار مصرف‌کننده و اصلاح فناوری خودرو وجود دارد. رفتار راننده



۹۰۰ هزار نفر در صف وام ازدواج و فرزندآوری

بانکی افزایش باید ونسبت کفایت سرمایه بانک‌ها بهبود پیدا کند، در بخش بانک‌های دولتی باید تکالیفی که قانون‌گذار تعیین کرده است، با جدیت اجرا شود.

۲۳ میلیارد یورو از صادراتی به چرخه رسمی بازنگشته است

عابدینی همچنین درباره تعهدات ارزی صادرکنندگان نیز گفت: بر اساس تبصره ۶ بند «ه» ماده ۲ مکرر قانون مبارزه با قاچاق کالا، صادرکنندگان مکلف هستند از حاصل از صادرات را به چرخه رسمی اقتصاد بازگردانند و آیین‌نامه مربوط نیز روش‌های بازگشت از ران مشخص کرده است اما بر اساس آمار ارائه‌شده تا چهارم شهریور اسامال معادل ۲۳ میلیارد یورو از صادراتی به چرخه رسمی اقتصاد بازنگشته است. حسابرس کل بانک مرکزی تأکید کرد: موضوع بازگشت از حاصل از صادرات از منظر تأمین منابع ارزی و تقویت توان اقتصاد برای تأمین نیازهای وارداتی اهمیت دارد و اجرای دقیق تکالیف قانونی در این زمینه باید مورد توجه قرار گیرد.

سهم بالای تجدید ارزیابی در افزایش سرمایه بانک‌ها

حسابرس کل بانک مرکزی با تأکید بر افزایش سرمایه بانک‌ها که در مواد ۱۶ و ۱۷ قانون رفع موانع تولید نیز مورد تأکید قرار گرفته‌تا از طریق واگذاری اموال مازاد بانک‌ها صورت گیرد، اقدامات انجام‌شده را نتیجه بخش ندانست و افزود: در قانون برنامه هفتم دو سامانه برای این موضوع پیش‌بینی شد که شامل سامانه املاک و سامانه سهامداری است اما این سامانه‌ها به شکل مورد انتظار عملیاتی نشده‌اند زیرا در قالب فرم‌هایی در سامانه‌های موجود، اطلاعات بانک‌ها دریافت می‌شود اما اقدامات موثری برای بررسی اطلاعات و برخورد با بانک‌هایی که اموال مازاد خود را واگذار نکرده‌اند، انجام نشده است.

عابدینی سرمایه‌بندی شبکه بانکی در پایان سال ۱۴۰۴ را معادل هزار و ۶۴۴ همت اعلام کرد و بیان اینکه سال گذشته ۵۱۶ همت افزایش سرمایه اتفاق افتاده است، گفت: ۸۸ درصد این افزایش سرمایه‌از محل مازاد تجدید ارزیابی دارایی‌ها بوده است یعنی بخش عمده این افزایش سرمایه ناشی از افزایش قیمت دارایی‌های بانک‌ها بوده و ماهیتی دفتری دارد و به معنای تزریق نقدینگی جدید به بانک‌ها نیست. وی تأکید کرد: این در حالی است که شبکه بانکی به حدود هزار و ۳۰۰ همت افزایش سرمایه نظارتی نیاز دارد و باید عزم جدی برای افزایش سرمایه بانک‌ها شکل بگیرد. حسابرس کل بانک مرکزی با یادآوری اینکه در قانون دولت مکلف شده است ۲۰۰ همت به افزایش سرمایه بانک‌های دولتی اختصاص دهد، اما از این میزان حدود ۶۰ همت محقق شده است، گفت: اگر قرار است توان تسهیلات‌دهی شبکه

سهم ۲۸۲ همتی بخش مسکن از تسهیلات بانکی

حسابرس بانک مرکزی با تشریح عملکرد شبکه بانکی در پرداخت تسهیلات تکلیفی گفت: در بخش مسکن با توجه به اهمیت موضوع، قانون‌گذار در ماده چهار قانون جهش تولید مسکن، بانک‌ها را مکلف کرده است تا ۲۰ درصد تسهیلات پرداختی شبکه بانکی به بخش مسکن اختصاص یابد؛ با وجود این تکلیف، از

اجرای جدی همان سیاست‌هایی است که سال‌هاست با تغییردهنده یا راننده می‌تواند با تنظیم یادداشتی، تسهیلات سرورین خود را، کاهش شتاب‌گیری‌های ناگهانی یا اصلاح شیوه رانندگی، مصرف را تا حدی کاهش دهد؛ اما نمی‌تواند خودرویی را که اساساً با فناوری قدیمی و مصرف بالا طراحی شده، به یک خودروی جدید و کم‌مصرف برای تبدیل کند. از این رو، اگر اصلاح الگوی مصرف یک هدف ملی است، مسئولیت آن نیز باید میان تمام حلقه‌های زنجیره تولید شود؛ از خودروساز و سیاستگذار صنعتی گرفته تا وزارت نفت، شهرداری‌ها، شبکه حمل و نقل عمومی و در نهایت مصرف‌کننده‌ها در این زنجیره، خط تولید اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چون خودروی جدید، سال‌ها بعد نیز نیاز از تصمیم امروز خودروساز را بخود حمل می‌کند.

قانون: مسیر را مشخص کرده است

این رویکرد صرفاً یک پیشنهاد کارشناسی نیست. در ناوگان به سمت خودروهای کم‌مصرف، اجرای استاندارد مصرف سوخت و اصلاح سبد تولید خودرو تأکید شده است. برای نمونه، در برنامه جامع تأمین و تخصیص حامل‌های انرژی شبکه حمل و نقل کشور، اجرای استاندارد ملی مصرف سوخت خودروها و جلوگیری از شماره گذاری خودروهای غیراستاندارد پیش‌بینی شده و تغییر سبد خودروهای تولیدی و وارداتی به سمت مقاب، تولیدکننده‌ای که مصرف سوخت محصولات خود را کاهش می‌دهد باید از مشوق‌های مشخص

هزار و ۹۲۴ همت تسهیلاتی که در سال ۱۴۰۴ به بخش‌های مختلف اقتصادی پرداخت شده، فقط ۲۸۲ همت به بخش اختصاص یافته که معادل حدود ۳۰ درصد کل تسهیلات است.

وی با یادآور اینکه در قانون جهش تولید مسکن، بانک‌ها مکلف شده‌اند بر اساس سهمیه ابلاغی بانک مرکزی، تسهیلات بخش مسکن را پرداخت کنند؛ اظهار داشت: این سهمیه در سال نخست اجرای قانون ۲۶۰ همت تعیین شد و در سال‌های بعد متناسب با تورم افزایش یافت.

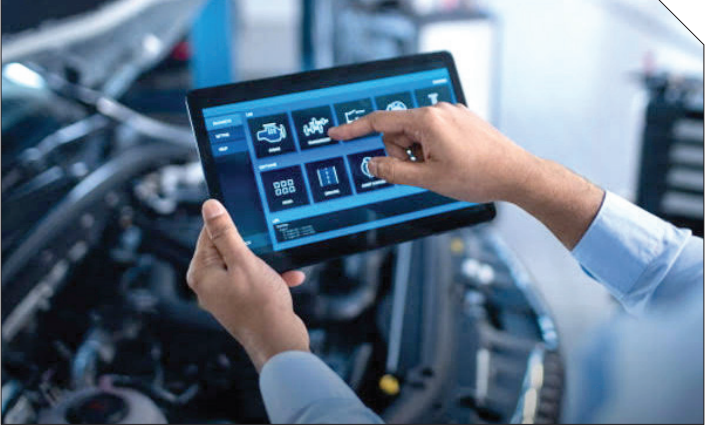
عابدینی افزود: مجموع سهمیه‌ای که بانک مرکزی از ابتدای اجرای قانون جهش تولید مسکن به شبکه بانکی ابلاغ کرده، ۳ هزار و ۳۹۵ همت بوده که از این میزان، معادل ۶۳۷ همت قرارداد منعقد و پرداخت شده است که شامل تسهیلات ودیعه و مسکن شهری است؛ بنابراین شبکه بانکی تنها حدود ۱۹ درصد سهمیه ابلاغی را پرداخت کرده است. وی با اشاره به وجود مجموعه‌ای از ترک فعل‌ها در اجرای قانون جهش تولید مسکن اظهار داشت: در این موضوع ترک فعل‌هایی در وزارت راه و شهرسازی، بانک مرکزی، شبکه بانکی و سازمان امور مالیاتی رخ داده است زیرا بر اساس تبصره پنج ماده چهار قانون جهش تولید مسکن، سازمان امور مالیاتی مکلف است در صورت پرداخت نکردن تسهیلات از سوی شبکه بانکی، معادل ۲۰ درصد آن را به عنوان جریمه دریافت کند اما در مواردی که عملکرد یک بانک در پرداخت تسهیلات ضعیف بوده، وزارت راه و شهرسازی سهمیه آن بانک را به بانک مسکن معرفی کرده است؛ در حالی که باید متقاضیان به همان بانک معرفی می‌شدند تا بانک مربوطه نسبت به پرداخت تسهیلات اقدام کند. عابدینی ادامه داد: سازمان امور مالیاتی نیز بر اساس سهمیه تخصیصی، برگ تشخیص و برگ قطعی مالیاتی صادر کرده، اما بانک‌ها در دیوان عدالت اداری شکایت کرده‌اند که سهمیه ملاک عمل نیست و وزارت راه و شهرسازی باید افراد را به بانک معرفی می‌کرد تا امکان پرداخت تسهیلات فراهم شود. این موضوع موجب شده است برگ‌های تشخیص و برگ‌های قطعی صادرشده از سوی سازمان امور مالیاتی در دیوان عدالت اداری نقض شود و در نهایت جریمه موضوع تبصره باشد وصول شود. حسابرس کل بانک مرکزی تأکید کرد: اگر سهمیه ملاک قرار گیرد، ممکن است بانکی که عملکرد ضعیف‌تری داشته، مشمول جریمه شود؛ اما اگر افراد معرفی شده ملاک باشند، بانکی مانند بانک مسکن که متقاضیان بیشتری به آن معرفی شده‌اند، باید جریمه بیشتری بپردازد؛ بنابراین نحوه اجرای قانون و تقسیم مسئولیت میان دستگاه‌های مختلف باید به شکل دقیق مشخص شود. عابدینی گفت: مجموعه این ترک فعل‌ها در وزارت راه و شهرسازی، بانک مرکزی، شبکه بانکی و سازمان امور مالیاتی به داساری دیوان محاسبات اسرا ل شده است؛ زیرا این روند در نهایت موجب شده حتی جریمه پیش‌بینی شده در تبصره قانونی نیز وصول نشود.

سهم ۷۰ درصدی کشاورزی از تسهیلات بانکی

حسابرس کل بانک مرکزی با اشاره به سهم بخش کشاورزی از تسهیلات بانکی اظهار داشت: بر اساس ماده ۴۷ قانون رفع موانع تولید، قانون‌گذار شبکه بانکی را مکلف کرده است متناسب با سهم بخش کشاورزی در اقتصاد، تسهیلات پرداخت کند که این سهم معادل ۱۱٫۶ درصد تعیین شده است؛ با این حال از مجموع ۷ هزار و ۹۲۴ همت تسهیلات پرداختی در سال گذشته ۴۵۰ همت معادل ۵٫۷ درصد به بخش کشاورزی اختصاص یافته است. عابدینی با بیان اینکه ۱۸۶ همت تسهیلات پرداختی به بخش کشاورزی مربوط به بانک کشاورزی بوده است، گفت: اگر این میزان را از کل شبکه بانکی کنار بگذاریم، سهم سایر بانک‌ها در این حوزه حدود ۳۰ درصد از کل تسهیلات بوده است.

بر اساس بودجه پنج‌ماهه، بانک‌ها باید ۱۴۶ همت تسهیلات پرداخت می‌کردند

که در بخش ازدواج ۱۱۰ همت پرداخت شده و حدود ۲۵ درصد انحراف از برنامه وجود دارد؛ در بخش فرزندآوری نیز از سهمیه ۸۵ همتی، باید طی پنج ماه ۳۵ همت پرداخت می‌شد، اما عملکرد شبکه بانکی ۲۰ همت بوده که معادل ۴۳ درصد انحراف از برنامه است



اجرای جدی همان سیاست‌هایی است که سال‌هاست با ضرورت کاهش مصرف سوخت خودرو تأکید دارند. رابطه میان تولید خودرو و مصرف بنزین را می‌توان بسیار ساده توضیح داد. هر خودرو در طول عمر خود مقدار مشخصی سوخت مصرف می‌کند و هرچه مصرف سوخت آن در هر کیلومتر پایین‌تر باشد، تقاضای انرژی آن نیز کمتر خواهد بود. پس اگر قرار است اصلاح الگوی مصرف بنزین به نتیجه‌ای پایدار برسد، باید بخشی از این اصلاح پیش از آنکه خودرو وارد خیابان شود، اتفاق افتاده باشد. این دقیقاً همان جایی است که سیاستگذاری صنعت خودرو و سیاستگذاری انرژی به یکدیگر می‌رسند. خودروی کم‌مصرف، درواقع یک ابزار کاهش سبد خودروهای تولیدی و وارداتی به جای مطالبه صرفه جویی روزانه از میلیون‌ها راننده، بخشی از صرفه جویی را از طریق فناوری خودرو به صورت دائمی ایجاد می‌کند.

پرمصرف‌ها نباید جایزه بگیرند

یکی از الزامات اصلاح این مسیر، ایجاد سازوکاری است که تولید خودروی پرمصرف دیگر یک انتخاب کم‌هزینه برای تولیدکننده نباشد. اگر خودرویی با مصرف سوخت بالاتر از استاندارد تولید می‌شود، این تفاوت نباید صرفاً به عنوان یک ویژگی مثبت ثبت شود؛ بلکه باید در سیاستگذاری تولید، مجوز مالیات، مشوق‌ها، واردات و حتی امکان شماره گذاری آن اثر داشته باشد. در نقطه مقابل، تولیدکننده‌ای که مصرف سوخت محصولات خود را کاهش می‌دهد باید از مشوق‌های مشخص